

کنایه رئیس سازمان تأمین اجتماعی به «مشاغل سخت» / جدیت قالیباف به روایت یک عضو جبهه پایداری



شناسه خبر : ۱۴۱۴۵۲ چهارشنبه ۵ اردیبهشت ۱۴۰۳ - ۱۰:۱۷

یک استاد دانشگاه با نقد دیدگاه دکتر شریعتی درباره کتاب و مطالعه گفته است: نمی توان خواندن هر کتابی را به هر کس توصیه کرد.

سرویس سیاست مشرق - «وبلاگ مشرق» خوانشی روزانه در لابه لای اخبار و اتفاقات کشور است. ما درباره این خوانش البته تحلیل ها و پیشنهادهایی را نیز در اختیار مخاطبان محترم می گذاریم. هر روز با بسته ویژه خبری-تحلیلی مشرق همراه باشید.

جدیت قالیباف به روایت یک عضو جبهه پایداری



حجت الاسلام مهدی باقری، نماینده مردم زنجان در مجلس شورای اسلامی در مصاحبه با ایلنا درباره عملکرد مجلس یازدهم و هیئت رئیسه آن گفته است: مجلس یازدهم مسیر خوبی را در بحث پیگیری مشکلات مردم آغاز کرد و حضرت آقا هم این مجلس را تایید کردند.

او می افزاید: مجلس یازدهم اشکالات و نقاط ضعفی داشته که باید برطرف شود، منتها نقاط قوتی هم داشته که باید دنبال و تقویت شود.

باقری در ادامه و در پاسخ به این سوال که «شما این نقاط ضعف و اشکالات را متوجه رئیس مجلس می دانید؟» گفته است: خیر، ضعف هیات رئیسه. اتفاقا به نظر من رئیس مجلس قوی بوده اما اعضای هیات رئیسه با قدرت برخورد نکردند که رئیس متهم به این شده که مثلا تک روی می کرده. به عقیده بنده اگر به آن میزانی که رئیس وقت می گذاشت، سایر عزیزان هم وقت می گذاشتند، با جدیت و بدون تعارفات سیاسی برخورد می کردند و همان جدیتی که رئیس مجلس داشت اگر سایر اعضای هیات رئیسه هم داشتند، کارها بهتر پیش می رفت.

این نماینده عضو جبهه پایداری تصریح می کند: به نظرم پیش از آنکه ایراد را به رئیس مجلس بگیریم باید به اعضای هیات رئیسه بگیریم؛ نه به معنای اینکه کار نکردند، بلکه با تعارف کار کردند. خیلی از موضوعاتی بود که باید در دستور کار قرار می گرفت که هیات رئیسه آن ها را در برنامه دستور قرار نداد. [1]

*بیان حقانی و اشاره این نماینده محترم به واقعیت های کارکردی مجلس یازدهم یک امر مغتنم است و نشان می دهد که وجدان های پاک بسیاری در نزد نمایندگان مجلس وجود دارد که حاضر به کتمان واقعیت نیستند.

همه آگاهان سیاسی می دانند که رئیس مجلس نقش بی بدیلی در سوق دادن مسیر حرکت پارلمان به سمت کارکردهای مطلوب و ملموس دارد. واگر قالیباف نبود؛ مجلس یازدهم نمی توانست اکنون صاحب کارنامه ای بی بدیل باشد.

این قالیباف بود که توانست به سبب سابقه خود در کارآمدی و اجرا؛ سمت درست مشکلات را بشناسد و با وجود ناکارآمدی دولت اما در حد توان و مقدوراتش؛ بوسیله مجلس یازدهم تأثیراتی را در زندگی مردم ایجاد کند.

تأثیراتی که البته همه انتظار داشتیم دولت نسبت به آنها اقدام کند اما به هر دلیلی مجلس توانست پایه گذار آنها شود.

شاید برای مردم جالب باشد که عده ای اکنون به صف آراییی در مقابل همین کارنامه مشخص مشغول شده اند و قصد دارند مجلس دوازدهم را به سنگری برای تخریب قالیباف و کارآمدی او بدل کنند. رجال بی هنری که طی سال های اخیر جز حرافیی و سیاست بازی کاری برای مردم نکرده اند.

هر کتابی را نخوانید!



علیرضا جوادی فام، استاد دانشگاه تبریز طی سخنانی در جلسه نقد فلسفی کتاب انسان خردمند نوشته "یووال نوح هراری" تأکید کرد که نویسندگان این کتاب معنای دین را بصورت کامل نمی دانند و لیبرالیسم، کمونیسم، ناسیونالیسم و ...

را دین می‌شمارد.

به گزارش خبرگزاری کتاب ایران، این استاد دانشگاه در ادامه گفته است: خواندن یک بار هر کتاب را به هر کسی توصیه نمی‌کنم.

جوادی فام با بیان اینکه هر کتابی را نمی‌توان به هر کسی توصیه کرد، گفت: این سخن دکتر شریعتی که هر کتابی به یک بار خواندنش می‌ارزد، فقط در مورد افرادی صادق است که به ثبات فکری رسیده باشند. [2]

*تأکید آقای جوادی فام باید مد نظر همه اعم از مربیان، خانواده‌ها، استادان و اهالی فرهنگ باشد.

حق مطلب این است که مطالعه و کتابخوانی اگرچه بسیار خوب و مورد تأکید است لکن باید دقت داشت که ذهن افراد و بخصوص کودکان و جوانان به مثابه یک زمین حاصلخیز است و محتوای کتاب‌ها بذر این زمین محسوب می‌شود. لذاست که باید دقت کرد بذر نامناسبیت یا بذر علف هرز را در زمین حاصلخیز کشت نکرد زیرا هرگز نتیجه خوبی نخواهد داشت.

از همین رو همواره باید بر قید مهم "کتاب خوب" تأکید کرد، برای کودکان و نوجوانان کتابهای خوب را در نظر داشت و درباره مضامین غلط برخی کتاب‌ها نیز حساس بود.

تأکید می‌شود که "کتاب بد" اثرات بسیار سوئی دارد و از پیر تا جوان را گرفته به پرتگاه‌های خطرناکی خواهد کشاند.

در این زمینه می‌توان به سرنوشت برخی از رجال انقلابی دهه شصت اشاره کرد که همگی مخالف امپریالیزم آمریکا و حامی ولایت فقیه بودند اما به مرور و با مطالعه بدون نقد برخی کتاب‌ها و توهم دانایی در قبال محتوای غلطی که دریافت می‌کردند؛ تبدیل به رجالی شدند که آمریکا را معبد می‌دیدند و از ولایت فقیه نیز بریدند.

دقت شود که این یک مثال سیاسی بود و هزاران مثال دیگر در ابواب دیگر را می‌توان از سرنوشت افرادی مطرح کرد که به دلیل مطالعه کتب بد به جنگ عقلانیت رفتند و در مقابل دین و واقعیت‌ها نیز ایستادند.

کنایه مدیر سازمان تأمین اجتماعی به "مشاغل سخت"!



میرهاشم موسوی، مدیر عامل سازمان تأمین اجتماعی اخیراً طی اظهاراتی که مشرق آنها را منتشر کرد، گفته است: تعداد درخواست‌ها و بازنشستگی‌های برقرار شده در مشاغل سخت و زیان‌آور مغایر اهداف و نیات اصلی تصویب این قانون است و سهمی عمده در ناترازی منابع و مصارف سازمان تأمین اجتماعی به‌عنوان یک سازمان بیمه‌ای بین نسلی دارد.

به گزارش موج خبر، او می‌افزاید: وضعیت فعلی به گونه‌ای است که متوسط سن بازنشستگی به حدود ۴۰ سال و کمتر رسیده و گاهی نیروی کار در اوج تجربه، مهارت و تخصص از بازار کار خارج می‌شود و هزینه حمایت از این افراد به سایر بیمه‌شدگان ذی‌نفع سازمان تأمین اجتماعی تحمیل می‌شود.

موسوی گفته است: ناگوارتر آن که این افراد که با استفاده از قانون مشاغل سخت و زیان‌آور و ظاهراً به سبب فرسودگی جسمی و روحی ناشی از این مشاغل از فهرست بیمه‌پردازان خارج می‌شوند در عمل از بازار کار خارج نمی‌شوند که جا برای نیروهای جدید باز شود بلکه جذب بخش‌های غیر رسمی بازار می‌شوند. با این وضعیت نیروی انسانی نمی‌توان آرمان‌های بزرگ رشد و جهش تولید را دنبال کرد. [3]

*آقای موسوی باید به افکار عمومی و پرداخت کنندگان بیمه توضیح بدهد که چرا در قبال کارگران مشاغل سخت از عبارت "ظاهرا به سبب فرسودگی از فهرست بیمه پردازان خارج می شوند" استفاده کرده است؟

زیرا این عبارت به این معنی است که سازمان تأمین اجتماعی شرایط مشاغل سخت را قبول ندارد و کانه احساس فریب می کند؟

اظهارات موسوی در حالی است که اگرچه باید پذیرفت در ایران سهولت های بعضا بیجایی در بحث بازنشستگی وجود داشته اما همه می دانند که مشکلات سازمان تأمین اجتماعی به دلیل سوء مدیریت است نه به دلیل قوانین موجود! سوء مدیریتی که دربارہ دلائل آن حرف و حدیث بسیار است...

لازم به تأکید است که جایگزین شدن برخی نیروهای بازنشسته رسمی در بخش های غیر رسمی و حتی در بخش های دولتی؛ اتفاقا فرایندی مطلوب است که نشان می دهد آن نیروی بازنشسته در حد مطلوبی از مهارت و تخصص قرار دارد و اگر هم در یک شغل سخت مشغول به کار بوده اما توانسته با مراقبت و زیست نخبگانی؛ توانمندی خود را بر شرایط سخت غلبه دهد. آیا اکنون باید در قبال چنین نیروی زبده ای با کنایه حرف زد، قانون را بر ضد او برانگیخت و بازار کار را از وجود چنین افرادی محروم کرد؟

کما اینکه شخص آقای موسوی هم در بخش دیگری از اظهارات خود به "چالش نیروی کار ماهر" نیز اشاره کرده است.

آشکار است که نیروی کار ماهر و متخصص هرگز جای هیچ کارجویی را تنگ نمی کند و فضای کاری کشور اتفاقا باید صحنه رقابت باشد نه صحنه اوت کردن دیگران با استناد به آیین نامه ها و قوانین ضعیف!

توصیه به مدیرعامل محترم سازمان تأمین اجتماعی این است که به جای استفاده از عبارت هایی که موجب ناراحتی پردازندگان حق بیمه می شود؛ به تلاش های خود برای تسهیلگری سرعت ببخشند و البته به دنبال رفع سوء مدیریت ها در سازمان بزرگ تأمین اجتماعی باشند.

سازمان تأمین اجتماعی یکی از مصادیق عدالت و زیست معقول در جامعه ایرانی پس از انقلاب اسلامی است که باید از مثبتات آن دفاع کرد و مراقب بود که این نقاط قوت به تاراج بی تدبیری نرود.

1_ <https://www.ilna.ir/fa/tiny/news-1471357>

2_ ibna.ir/x6mdV

3_ mshrgh.ir/1596093

انتهای پیام/